



Geographic Notion
Vol.17. autumn and winter 2017
Zanjan University
No. 117

اندیشه جغرافیایی
سال نهم، شماره هفده، پاییز و زمستان ۱۳۹۶
دانشگاه زنجان
مقاله شماره ۱۱۷

بررسی اثرات صنایع دستی زری بافی در اشتغال زنان نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان حومه شهرستان میناب

محسن شایان^۱، عباس ذاکرنسب^۲، حمید برقی^۳

چکیده

هدف از مطالعه حاضر، شناسایی مشکلات اشتغال زنان در صنایع روستایی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و پرسشنامه استفاده شده است. همچنین اطلاعات و داده‌های میدانی مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل زنان بالای ۱۲ سال مناطق روستایی دهستان حومه می‌باشد ($N = 13717$) که از این میان ۱۶۲ نفر با استفاده از فرمول کوکران بدست آمد ولی برای اطمینان بیشتر ۱۷۹ پرسشنامه به صورت تصادفی انتخاب گردیده است. روایی صوری ابزار مورد تحقیق با نظرخواهی از صاحب‌نظران موضوع و اساتید دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، پایایی (اعتماد) پرسشنامه به وسیله ۳۰ پرسشنامه و از طریق پیش‌آزمون در یکی از روستاهای خارج از منطقه‌ی مورد مطالعه و با استفاده از روش آلفای کرونباخ بررسی شده که مقدار آن برابر با ۰/۸۶ درصد می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاخص هزینه‌بر بودن تولید محصولات زری‌بافی، هیچگونه تاثیری بر اشتغال زنان روستایی نداشته است. همچنین نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ویژگی‌های درآمدزایی صنایع دستی (۰/۱۹۶)، ویژگی کمک به اقتصاد خانواده (۰/۱۶۵) و ویژگی کمک به استقلال اقتصادی زنان (۰/۱۴۱) بیشترین تاثیر را بر اشتغال زنان در زری‌بافی دارد. کلید واژه‌ها: زنان، صنایع دستی، زری‌بافی، اشتغال روستایی، دهستان حومه استان هرمزگان

^۱ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره تماس 09176783872

Email: Mohsen.shavan@gmail.com

^۲ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

^۳ - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان

مقدمه

نیروی انسانی مهمترین عامل در توسعه هر کشور و جمعیت هر جامعه به منزله ثروت ملی آن جامعه محسوب می شود. از این رو، بیکاری و سوء تغذیه در جامعه همواره پیامدهای اقتصادی و اجتماعی زیان باری دارد (سواری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۶). مناطق روستایی، به مثابه یکی از مهم ترین قطب های اقتصادی کشور، می توانند در تولید ناخالص ملی، تأمین نیازهای غذایی جمعیت، مواد اولیه و در نهایت، در رشد و توسعه اقتصادی کشور نقشی برجسته ایفا کنند (افراخته و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می توان آن را کانون ارتباطات انسان و اجتماع تلقی کرد. در جهت این پویایی بی تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیری مستقیم در توسعه جامعه دارند (آگهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۲). زنان نیمی از جمعیت فعال هر کشوری را تشکیل می دهند. این نیمه جمعیتی نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه ای هستند، بلکه اهرم موثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی است (رئیی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۶). با وجود اهمیت نقش زنان در ابعاد و جوانب گوناگون زندگی روستایی و همچنین، نقش آنان در تحولات جامعه ی روستایی، برنامه های اجرا شده به منظور تسریع روند توسعه و ایجاد زیر ساختهای توسعه، بدون توجه به نقش برجسته ی زنان بوده و سرمایه گذاری های بسیار محدودی در زمینه ی برنامه های آموزشی- ترویجی زنان و کلیه ی فعالیت های پشتیبانی انجام گرفته است (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲).

زنان روستایی نامرئی ترین مشارکت کنندگان در فرآیند اقتصادی جامعه و خانواده هستند (شریفی، ۱۳۹۴: ۲). اما از آن جایی که ارزش های فرهنگی حاکم بر روستا کلیه فعالیت های زنان را به عنوان امری طبیعی و جزئی از وظایف آنها قلمداد کرده است، بر همین اساس، با وجود سخت کوشی که در کلیه فعالیت ها از آنها مشاهده می شود همواره بخش عمده ای از منافع مادی حاصل از این تلاش ها نصیب مردان شده است

(وفایی و ترکارانی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). ورود زنان به حوزه اشتغال همواره فرازونشیب های خاص خود را داشته است، همیشه این فشار برای زنان وجود دارد که بین زن بودن و شاغل بودن تصمیم بگیرند (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۴: ۲۴۴) افزایش اشتغال زنان با افزایش سرمایه انسانی رابطه مستقیم دارد. همچنین، این عامل یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی محسوب می شود (نوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲). مشارکت زنان در تولید و کسب درآمد که پیش تر از جنبه های تفنن و یا فعالیت های جانبی مطرح بود، با افزایش هزینه های زندگی و نیاز به نیروی کار جدید، به ضرورت تبدیل شده و همه روزه شاهد رشد روزافزون تلاش زنان در عرصه های مختلف هستیم (فرج زاده، ۱۳۸۹: ۵۶). نگاهی به آمارهای ارائه شده ی کشور در سه دهه ی گذشته، نشان می دهد که به دلیل وجود موانع اجتماعی (بی سواد و پایین بودن سطح سواد و تبعیض جنسیتی)، قانونی (قوانین ناظر بر خانواده و قوانین مربوط به اشتغال زنان)، اقتصادی (رکود و رونق اقتصادی، مهاجرت از روستا به شهر، اعتقاد به غیراقتصادی بودن نقش زنان، کم تنوعی فرصت های شغلی و بالا بودن هزینه ی نیروی کار زنان برای کارفرمایان) و محدودیت های فرهنگی و سنتی، سهم مشارکت زنان در اشتغال و بازار کار بسیار کمتر از مردان است. آمارها نشان می دهد علاوه بر پایین بودن سهم مشارکت اقتصادی زنان در سطح کشور، متأسفانه در بین کشورهای در حال توسعه، کشور ایران کمترین میزان مشارکت اقتصادی زنان را دارد (رستمی، ۱۳۸۳: ۲-۴۱). در رابطه با موضوع مطالعاتی توسط شریفی و همکاران (۱۳۹۴)، جمشیدی (۱۳۹۱)، امینی و احمدی شاپورآبادی (۱۳۸۶)، علی محمدی (۱۳۸۶)، داورخانی (۱۳۸۵)، ویسی و بادسار (۱۳۸۴)، رستمی (۱۳۸۳)، میرزایی و ترکمانی (۱۳۷۸)، یعقوبی و همکاران (۲۰۱۴)، لطیفی و همکاران (۲۰۱۳)، کویان و زی (۲۰۱۱)، نامدار (۲۰۱۰)، زاران و همکاران (۲۰۰۲)، تیگس و روزمفلد (۱۹۸۷) انجام شده است.

دهستان حومه یکی از دهستان های شهرستان میناب از توابع استان هرمزگان می باشد که شغل اصلی مردم صنایع دستی و بخصوص زری بافی می باشد که اکثر فعالان آن را زنان تشکیل می دهند. باتوجه به موقعیت و شرایط محیطی این دهستان که باعث شده کشاورزی و دامداری در این دهستان از شرایط مناسبی برخوردار نباشد، صنایع دستی و مخصوصا زری بافی می تواند در رونق و توسعه این دهستان موثر واقع شود. این پژوهش در پی آن است تا به بررسی اثرات صنایع دستی بر اشتغال زنان روستایی بپردازد تا عوامل تاثیر گذار بر رونق و عدم رونق این صنعت مشخص گردد؛ در همین راستا این پژوهش در پی پاسخ به این سوال می باشد که چه عواملی بر اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی بیشترین و کمترین تاثیرات را دارا می باشند؟

مبانی نظری

مهمترین شرط برای رشد و توسعه جوامع ایجاد اشتغال است. به طوری که نیروی کار منبعی برای موفقیت است و اگر از نیروی کار به درستی و به طور مناسب استفاده نشود به جای فراهم کردن سود، زیان به همراه خواهد داشت (کلیک و تاتار، ۲۰۱۱: ۱۲۱۱). تا قبل از دهه ۷۰ در متون توسعه به ندرت متنی می بینیم که آثاری از جنسیت و زنان در آن وجود داشته باشد. موازی با این نظریه پردازان توسعه اهمیت نظام های زراعی را مورد توجه قرار دادند، اهمیت جایگاه زنان در ادبیات توسعه مدنظر قرار گرفت. تاحدی که مشخص شد ۷۰ درصد تولیدات کشاورزی آفریقا توسط زنان حاصل می شود به همین دلیل به تدریج مقولات جنسیتی را در تفکرات توسعه قرار دادند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها بویژه کشورهای در حال رشد بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان، تحقق این مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه انسانی است (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶: ۴). توسعه روستایی، به معنای اجرای پروژه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جهت چشم انداز آینده نواحی روستایی است (پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱).

یکی از دلایل عمده عدم توسعه روستاها، برنامه‌ریزی نامناسب در سطح روستاهاست که منجر به هدر رفتن سرمایه و بودجه‌های اختصاص‌یافته به روستاها می‌شود (برقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰). دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی که باشد نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است. این مهم در گرو شناخت جامع و آگاهی دقیق از امکانات، فرصت‌ها، توان‌ها و محدودیت‌هایی است که در رسیدن به وضع مطلوب وجود دارد (موسوی و صدیقی، ۱۳۹۳: ۵۶). همچنین، یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. از آنجایی که در بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی اجتماعی کشورها، توجه به نیروی انسانی و تخصص مطرح است لذا سخن از اشتغال زن و رابطه آن با توسعه نیز امری ضروری است (ایلو، ۲۰۰۱: ۴۵). برنامه‌های توسعه مبتنی بر رویکرد «زن در توسعه»، بیان می‌کند که توسعه اقتصادی همچنان که برای تمام جامعه مفید است، برای زنان نیز یک نیاز و ضرورت اجتماعی است و وضعیت زنان در جامعه تنها در صورتی اصلاح خواهد شد که برنامه ریزان توسعه، فرصت‌های برابر را میان دو جنس فراهم کنند و از سوی دیگر زنان نیز تلاش کنند که از حرکت عمومی جامعه به سوی توسعه باز نمانند (افراخته و سرایی، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

زنان روستایی یکی از گروه‌های موجود و مؤثر در روستا هستند که حدود چهل درصد از فعالیت‌های انجام گرفته در زمینه کشاورزی و نود درصد در زمینه صنایع دستی توسط آنان انجام می‌شود (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶). مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در کشورهای جهان سوم، بخش کشاورزی پایگاه اصلی برای اشتغال رسمی زنان می‌باشد. زنان صنعتگر روستایی از نظر اقتصادی کمک زیادی به معاش خانواده می‌کنند، زیرا در اکثر موارد درآمد همسر تأمین هزینه‌های زندگی را نمی‌کند و درآمد حاصل از صنایع روستایی و همچنین درآمد حاصل از فرآورده‌های تولیدات دامی و زراعی که توسط زنان روستایی انجام می‌گیرد و تهیه می‌شود. در برخی مواقع حتی از

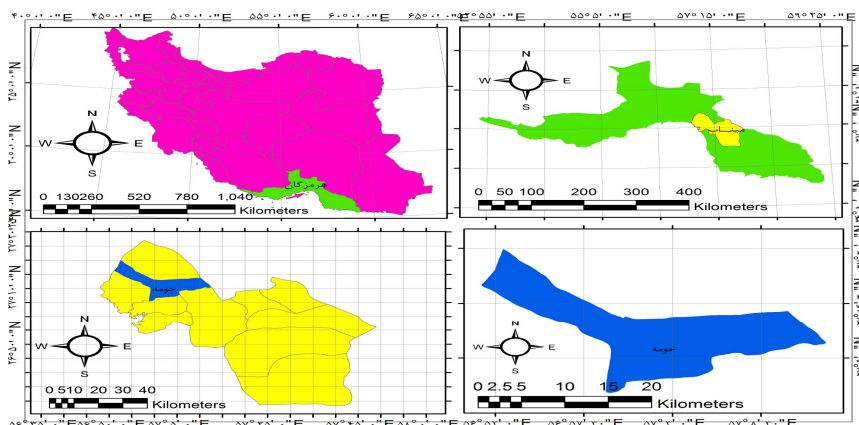
درآمد شوهرانشان هم بیشتر است (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۴۵). زنان روستایی به عنوان نیروی کار، تقریباً در تمامی بخش‌های اقتصادی روستا فعال هستند. این فعالیت‌ها همواره در ایجاد و یا بهبود درآمد خانوار مؤثر بوده است، ولی در بعضی از موارد منجر به کسب درآمد مستقل برای زنان می‌گردد که می‌توان به عنوان مشارکت زنان روستایی در بازار کار آن را مورد بررسی قرار داد (فلیسر و اپلبام، ۱۹۹۲: ۷۶). بدون تردید یکی از دلایل مهم در توجیه جنبه‌های مثبت صنایع دستی، مربوط به اثرات آن در مبارزه با انواع بیکاری است. (یاقوتی و روزبهانی، ۱۳۹۴: ۵۵).

با توجه به بالابودن هزینه اشتغال در بخش‌های دیگر اقتصادی، توسعه و سرمایه‌گذاری روی صنایع دستی یکی از راه‌های کم‌هزینه و مناسب برای ایجاد اشتغال می‌باشد. با توجه به اهمیت این نکته که، برای ایجاد اشتغال و رفع بیکاری باید آن را در بخش‌های روستایی، شهری و استانی با توجه به مزیت‌های نسبی و فرهنگ بومی هر منطقه جستجو کرد، صنایع دستی با قابلیت‌ها و خصوصیات ویژه خود، از جمله استفاده از مواد اولیه داخلی، ارزان و فناوری ساده و عدم نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد و امکان ایجاد و توسعه در مناطق روستایی، به‌ویژه در داخل محل سکونت روستاییان، می‌تواند نقش مهمی در مبارزه با انواع بیکاری داشته باشد و مهمترین منبع کار، به‌خصوص برای روستاییان و زنان روستایی، محسوب گردد. مهم‌تر این که، این صنایع اشتغال و فرصت‌های درآمدی مورد نیاز زیادی را برای افرادی که به طور سنتی از اقتصاد محلی محرومند، مانند زنان، اعضای اقلیت‌های قومی، جوانان، کارگران غیر ماهر، افراد معلول و سالمند، فراهم می‌کنند (مک کرچر، ۲۰۰۶: ۹۸). یکی از راه حل‌های رفع مشکلات توسعه روستایی، افزایش تنوع بخشی بهینه به فعالیتهای اقتصادی در جوامع روستایی و ایجاد تعادل میان تنوع بخشی و تخصصی سازی است. بنابراین، توجه کردن به صنایع دستی که در اغلب مناطق روستایی کشور رایج می‌باشد، برای رشد اقتصادی این مناطق بسیار اهمیت دارد (بیدختی و صادقی نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۲). دیدگاه‌های گوناگونی در مورد زنان و توسعه وجود دارد: ۱- دیدگاه رفاه-

دیدگاه زنان و توسعه ۳- دیدگاه جنسیت و توسعه ۴- دیدگاه جنسیت و محیط (شریفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳-۴). نظریه های نئوکلاسیک، برای تشریح تفاوت های جنسیتی و اینکه چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است، به متغیرهایی نظیر مسئولیت های خانوادگی، نیروی جسمانی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعت های کار، غیبت از کار و جاب هجایی در کار و چگونگی تأثیر این متغیرها در بهره وری نیروی کار و عرضه آن می پردازند (فسایی و خادمی، ۱۳۹۴: ۲۴۶). حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور، بستگی به عوامل گوناگونی دارد که این عوامل عبارتند از: توسعه اقتصادی، اندازه دولت، توزیع درآمد و هزینه خانوار، نرخ بیکاری، سیاست های دولت، تعداد فرزندان و نرخ باروری، شرایط محیطی خانواده و عوامل فرهنگی و اجتماعی، علم و دانش (پاسبان، ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۵۵).

موقعیت جغرافیایی منطقه

دهستان حومه دهستان آبادی است که از توابع بخش مرکزی شهرستان میناب در استان هرمزگان واقع در جنوب ایران به شمار می رود. این دهستان شامل ۳۸ روستا می باشد و جمعیت آن طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، برابر با ۲۷۵۸۶ نفر بوده است (فرمانداری شهرستان میناب، ۱۳۹۵).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، این پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با هدف بررسی و ارزیابی تاثیر صنایع دستی، به ویژه زری بافی (متغیر مستقل)، در اشتغال زنان (متغیر وابسته) روستایی دهستان حومه واقع در شهرستان میناب انجام شده است. در این مطالعه برای جمع آوری اطلاعات میدانی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. علاوه بر این، به منظور تقویت پایه های نظری و دقت در گردآوری اطلاعات، از روش های مطالعه اسناد و مدارک نیز استفاده شده است. محدوده جغرافیایی پژوهش شامل ۳۸ روستا (۶۵۲۹ خانوار) می باشد این روستاها که به عنوان روستاهای هدف انتخاب شده اند، شغل زری بافی به عنوان شغل غالب زنان روستایی در منطقه ی مورد مطالعه شناخته می شود. جامعه آماری تحقیق شامل زنان بالای ۱۲ سال مناطق روستایی دهستان حومه می باشد ($N = 13717$) که از این میان ۱۶۲ نفر با استفاده از فرمول کوکران بدست آمد که برای اطمینان بیشتر ۱۷۹ پرسشنامه به صورت تصادفی انتخاب گردیده است. همان طور که گفته شد، ابزار مورد تحقیق پرسشنامه ای بود که روایی صوری آن با نظرخواهی از صاحب نظران موضوع و اساتید دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، پایایی (اعتماد) پرسشنامه به وسیله ۳۰ پرسشنامه و از طریق پیش آزمون در یکی از روستاهای خارج از منطقه ی مورد مطالعه و با استفاده از روش آلفای کرونباخ بررسی شده است که مقدار محاسبه شده ۰/۸۶ درصد بود. بنابراین پرسشنامه مورد مطالعه دارای انسجام درونی و قابل اعتماد می باشد. شاخص های مورد مطالعه شامل سه شاخص اجتماعی - اقتصادی شاخص سطح رضایت مندی (از شغل، بازار، درآمد، و ...) و شاخص مشکلات است. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفته است. به این صورت که برای آزمون سوالات توصیفی از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و برای تحلیل سوالات اصلی و فرعی به ترتیب از آزمون t تک نمونه ای، آزمون همبستگی اسپیرمن و آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است.

جدول شماره (۱) شاخص های به کار رفته در پژوهش

شاخص	گويه ها
اجتماعی - اقتصادی و حرفه ای	سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل اصلی، سابقه در شغل اصلی و متغیرهای مربوط به حرفه‌ی زری‌بافی
رضایت مندی	رضایت مندی (از شغل، بازار، درآمد، و ...)
مشکلات زنان	مشکلات بافندگان: (گرانی مواد اولیه، نوسانات قیمت بازار، کمبود مشتری، عدم حمایت مسئولین، عدم تشکیل کلاس های آموزشی، عدم خرید تضمینی تولیدات، گرایش دختران نسل جدید به لباس های غیر سنتی)، مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات: (عدم مقبولیت توسط مرد خانواده، عدم توانایی بازپرداخت وام، سود بالای بازپرداخت وام، کمبود اعتبارات برای زنان، نبود ضامن معتبر)

منبع: یافته های تحقیق ۱۳۹۵

یافته های تحقیق و بحث

با توجه به نتایج ذکر شده در جدول (۲)، اکثریت زنان روستایی منطقه مورد مطالعه (معادل ۴۰/۸ درصد) در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال قرار دارند. همچنین، گروه سنی بالای ۵۰ سال (معادل ۳/۹ درصد) کمترین درصد زنان پاسخگو را به خود اختصاص داده است. وضعیت تاهل ۶۴/۲ درصد پاسخگویان به صورت متأهل و ۲۰/۱ درصد آنها مجرد، همچنین ۴/۵ درصد آنها مطلقه و ۱۱/۲ درصد نیز به عنوان سرپرست خانواده ایفای نقش نمودند. همان گونه که پیداست (جدول ۲) اکثر زنان مورد مطالعه، یعنی معادل ۵۷/۵ درصد آنها در وضعیت بیسواد و کم سواد (ابتدایی) قرار دارند و تنها ۰/۵ درصد آنها دارای تحصیلات دانشگاهی و در حد فوق دیپلم به بالاتر بودند. همچنین ۴۶/۹ درصد آنها دارای سابقه تولید ۱۵-۲۰ سال بوده و ۲۹/۶ درصد هم سابقه اشتغال خود در زری‌بافی را در حد کمتر از ۵ سال معرفی کرده‌اند.

جدول (۲)، توزیع فراوانی زنان شاغل در زری بافی بر حسب سن، تحصیلات و وضعیت تاهل

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	وضعیت تاهل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۰-۲۰ سال	۲۹	۱۶/۲	۱۶/۲	مجرد	۳۶	۲۰/۱	۲۰/۱
۲۰-۳۰	۷۳	۴۰/۸	۵۷/۰	متاهل	۱۱۵	۶۴/۲	۸۴/۴
۳۰-۴۰	۵۵	۳۰/۷	۸۷/۷	مطلقه	۸	۴/۵	۸۸/۸
۴۰-۵۰	۱۵	۸/۴	۹۶/۱	سرپرست خانوار	۲۰	۱۱/۲	۱۰۰/۰
بالای ۵۰ سال	۷	۳/۹	۱۰۰/۰	سابقه زری بافی			
تحصیلات				کمتر از ۵ سال	۸۴	۴۶/۹	۲۹/۶
بیسواد	۳۶	۲۰/۱	۲۰/۱	۱۰-۱۵ سال	۲۳	۱۲/۸	۴۲/۴
ابتدایی	۶۷	۳۷/۴	۵۷/۵	۱۵-۲۰ سال	۵۳	۶/۲۹	۸۹/۴

سیکل	۳۳	۱۸/۴	۷۹/۰	بالای ۲۰ سال	۱۹	۱۰/۶	۱۰۰/۰
دیپلم	۳۴	۱۹/۰	۹۵/۰	جمع کل	۱۷۹	۱۰۰/۰	
فوق دیپلم و بالاتر	۹	۵/۰	۱۰۰/۰				

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

جدول (۳) توزیع فراوانی فعالیت اصلی زنان را در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان‌طور که پیداست، زنان روستایی منطقه مورد مطالعه بیشتر (۷۸/۸ درصد) در زمینه زری‌بافی و تولید محصولات دستی مربوط به آن اشتغال دارند.

جدول (۳)، توزیع فراوانی فعالیت اصلی زنان روستایی شاغل در زری بافی در منطقه مورد مطالعه

فعالیت اصلی زنان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
حصیر بافی	۱۲	۶/۷	۶/۷
زری بافی	۱۴۱	۷۸/۸	۸۵/۵
خیاطی	۲۶	۱۴/۵	۱۰۰/۰

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود ۴۶/۴ درصد از زنان منطقه مورد مطالعه هدف از زری بافی را درآمدزایی، ۹/۵ درصد تنوع، ۱۵/۱ درصد مصرف شخصی، ۲۰/۷ درصد اوقات فراغت و ۸/۴ درصد از آنها را هدف از زری بافی برای ارضا حس علاقه به تولید محصولات سنتی می‌دانند.

جدول (۴)، توزیع فراوانی هدف از زری‌بافی و سابقه اشتغال زنان در زری‌بافی

هدف از زری بافی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
درآمدزایی	۸۳	۴۶/۴	۴۶/۴
تنوع	۱۷	۹/۵	۵۵/۹
مصرف شخصی	۲۷	۱۵/۱	۷۰/۹
اوقات فراغت	۳۷	۲۰/۷	۹۱/۶
علاقه به تولید محصولات سنتی	۱۵	۸/۴	۱۰۰/۰

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد، اکثریت زنان روستایی دهستان حومه (۶۶/۵ درصد) تاثیر زری‌بافی بر اشتغال زنان این دهستان در حد خیلی زیاد می‌دانند. علاوه بر این، ۲۴/۶ درصد آنها تاثیر زری بافی بر اشتغال زنان روستایی مورد مطالعه را در حد زیاد، ۷/۳

درصد آنان حد متوسط را برای تعیین تاثیر زری بافی در اشتغال خود در این نوع صنایع دستی انتخاب نمودند. همچنین سطح رضایت ۵۵/۳۱ درصد زنان بافنده زری بافی در حد متوسط بوده است. سطح رضایت ۲۴/۰۸ درصد آنان در حد کم و خیلی کم قرار داشته است. ۱۵/۰۹ درصد آنها دارای سطح رضایت زیاد بوده و تنها ۵/۵۲ درصد آنان دارای سطح رضایت در حد خیلی زیاد بوده است. نتایج در جدول (۵) قید شده است.

جدول (۵)، درصد فراوانی تاثیر زری بافی بر اشتغال زنان و سطح رضایت مندی آنان

متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع کل
تاثیر زری بافی بر اشتغال زنان	۰/۰	۱/۷	۷/۳	۲۴/۶	۶۶/۵	۱۰۰/۰
سطح رضایت مندی زنان از زری بافی	۷/۳۰	۱۶/۷۸	۵۵/۳۱	۱۵/۰۹	۵/۵۲	۱۰۰/۰

منبع یافته های تحقیق ۱۳۹۵

جدول (۶)، مشکلات بافندگان زری بافی در منطقه مورد مطالعه را نشان می دهد. با توجه به میزان ضریب تغییرات شاخص گرانی مواد اولیه (۰/۲۹۴) به عنوان مهمترین شاخص برآورد شده است. همان طور که پیداست شاخص عدم حمایت مسئولین با ضریب تغییرات معادل ۰/۳۳۶ در رتبه دوم اهمیت از نظر متغیر مشکلات بافندگان قرار دارد. با توجه به نتایج درج شده در جدول بالا، شاخص عدم تشکیل کلاس های آموزشی، نوسانات قیمت بازار و کمبود مشتری بری محصولات آنها به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند.

جدول (۶)، درصد فراوانی مشکلات بافندگان زری بافی در منطقه مورد مطالعه (منبع: یافته های تحقیق ۱۳۹۵)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
گرانی مواد اولیه	۳,۵۳	۱,۰۴	۰/۲۹۴	۱
نوسانات قیمت بازار	۲,۲۴	۱,۰۸	۰/۴۸۲	۴
کمبود مشتری	۱/۶۰	۱/۰۱	۰/۶۳۱	۵
عدم حمایت مسئولین	۴/۲۲	۱/۴۲	۰/۳۳۶	۲
عدم تشکیل کلاس های آموزشی	۴/۱۱	۱/۴۰	۰/۳۴۰	۳
عدم خرید تضمینی تولیدات	۱/۵۰	۱/۰۱	۰/۶۷۳	۶
گرایش دختران نسل جدید به لباس های غیر سنتی	۲/۲۶	۱/۷۳	۰/۷۶۵	۷
میانگین کل مشکلات بافندگان	۳/۴۷۴	۳/۳۳		

بر اساس جدول (۷)، مقدار $t = 66/145$ است، همان‌طور که پیداست این مقدار مثبت می‌باشد که نشان دهنده این است که میانگین متغیر مشکلات بافندگان زری بافی، بزرگتر از میانه‌ی نظری یا نمره‌ی ملاک (۳) می‌باشد.

جدول (۷)، نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای مشکلات بافندگان زری بافی در منطقه مورد مطالعه

Test Value = 3					
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig.	df	t
Upper	Lower				
۳/۹۶۶	۲/۹۸۳	۳/۴۷۴	۰/۰۰۰	۱۷۸	۶۶/۱۴۵

مشکلات بافندگان زری بافی

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

بر اساس نتایج جدول (۸)، مهمترین شاخص مربوط به مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات، شاخص نبود ضامن معتبر با ضریب تغییرات $0/236$ بوده است.

جدول (۸) درصد فراوانی مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات در منطقه مورد مطالعه

متغیر	رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین
عدم مقبولیت توسط مرد خانواده	۵	۰/۷۲۱	۱,۱۴	۱/۵۸
عدم توانایی بازپرداخت وام	۳	۰/۴۲۳	۱,۱۹	۲/۸۱
سود بالای بازپرداخت وام	۴	۰/۵۲۵	۱/۰۲	۱/۹۴
کمبود اعتبارات برای زنان	۲	۰/۳۳۴	۱/۱۹	۳/۵۶
نبود ضامن معتبر	۱	۰/۲۳۶	۱/۰۵	۴/۴۴
میانگین کل مشکلات دسترسی زنان به وام				
			۳/۰۳	۳/۳۵

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

بعد از آن کمبود اعتبارات برای زنان به عنوان مهمترین شاخص مربوط به متغیر مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات در منطقه مورد مطالعه است. با توجه به نتایج جدول (۹) مشاهده می‌شود که t به دست آمده از این جدول مثبت بوده که نشان می‌دهد میانگین متغیر مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات، بزرگتر از میانه‌ی نظری یا نمره‌ی ملاک می‌باشد. به عبارتی بین میزان دسترسی زنان به اعتبارات در منطقه مورد مطالعه با میانه‌ی نظری آزمون اختلاف معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. بنابراین مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده است.



جدول (۹) نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات در منطقه مورد مطالعه

Test Value = 3					
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig	Df	t
Upper	Lower				
۳/۸۰۵	۲/۹۰۹	۳/۳۵۳	۰/۰۰۰	۱۷۸	۵۰/۰۴۴

مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

تاثیر صنایع دستی (زری بافی) بر اشتغال زنان روستایی

در این قسمت برای ارزیابی تاثیر صنایع دستی و بویژه زری بافی بر اشتغال زنان روستایی دهستان حومه، ابتدا ویژگی‌های صنایع دستی از دیدگاه پاسخگویان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس تاثیر صنایع دستی را بر اساس این ویژگی‌ها بر اشتغال زنان روستایی دهستان مورد مطالعه، بررسی می‌نماییم. با توجه به نتایج به دست آمده از رابطه همبستگی بین شاخص‌های مربوط به ویژگی صنایع دستی (زری بافی) و اشتغال زنان مورد مطالعه، می‌توان گفت رابطه مثبت معنی‌داری بین خصیصه درآمد زایی صنایع دستی و اشتغال زنان روستایی دهستان مربوطه با ضریب همبستگی ۰/۶۸۹ وجود دارد. همچنین نتایج موجود حاکی از وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین شاخص‌های کمک به استقلال اقتصادی زنان روستایی، کمک به اقتصاد خانواده، تقویت اقتصاد منطقه مورد مطالعه افزایش رفاه خانواده‌های زنان تولید کننده صنایع دستی به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۷۱۰، ۰/۴۳۹، ۰/۷۳۳ و ۰/۶۵۴ است. همان‌گونه که پیداست، شاخص هزینه‌بر بودن تولید محصولات زری بافی دارای رابطه منفی معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ با اشتغال زنان در زری بافی می‌باشد. یعنی افزایش قیمت مواد اولیه برای تولید محصولات مربوط به این نوع صنایع دستی، باعث کاهش اشتغال زنان در تولید و بافت آن می‌شود. با توجه به نتایج موجود، سادگی تکنولوژی تولید زری بافی و وجود بازارهای محلی و نزدیک به منطقه تولید نیز دارای ارتباط مثبت معنی‌دار با اشتغال زنان در این نوع صنایع دستی روستایی است. نتایج در جدول (۱۰) آمده است.

جدول (۱۰)، رابطه همبستگی بین ویژگی‌های زری بافی از نظر پاسخگویان با اشتغال آنان در منطقه مورد مطالعه

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی - داری
	خصیصه درآمد زایی	۰/۶۸۹**	۰/۰۰۰
	کمک به استقلال اقتصادی زنان	۰/۷۱۰**	۰/۰۰۰
اثرات صنایع	کمک به اقتصاد خانواده	۰/۴۳۹**	۰/۰۰۰
دستی زری	حفظ و تداوم فرهنگ و هویت مردم	۰/۷۷۰**	۰/۰۰۰
بافی در اشتغال زنان	جذب گردشگر به منطقه مورد مطالعه بر اثر صنایع دستی	۰/۶۱۲**	۰/۰۰۱
	افزایش رفاه خانواده‌های زنان تولید کننده صنایع دستی	۰/۶۵۴**	۰/۰۰۰
	هزینه بر بودن تولید محصول زری بافی	-۰/۵۶۱**	۰/۰۰۴
	سادگی تکنولوژی تولید زری بافی	۰/۵۵۴**	۰/۰۰۰
	وجود بازارهای محلی	۰/۴۳۴**	۰/۰۰۰
	تقویت اقتصاد منطقه مورد مطالعه	۰/۷۳۳**	۰/۰۰۰

ns عدم معنی داری؛ * معنی داری در سطح ۰/۰۵ و ** معنی داری در سطح ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول (۱۱) مشاهده می‌شود آماره فیشر (F) در سطح ۰/۰۱ درصد معنی دار بوده بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیون و متغیر وابسته وجود دارد.

جدول (۱۱)، رگرسیون چندگانه برای بررسی تاثیر عوامل مربوط به صنایع دستی بر اشتغال زنان روستایی منطقه مورد

مطالعه در زری بافی منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

Sig	t	Beta	B	
۰/۰۰۰	۸/۱۹۷	-	۳/۴۱۸	عرض از مبدا
۰/۰۰۶	۲/۰۱	۰/۱۹۶	۰/۲۴۰	درآمد زایی X_1
۰/۰۰۱	۳/۱۴۵	۰/۱۴۱	۰/۲۸۶	کمک به استقلال زنان X_2
۰/۰۰۰	۲/۰۶۵	۰/۱۶۵	۰/۱۱۶	کمک به اقتصاد خانواده X_3
۰/۰۰۰	۱/۲۰۵	۰/۱۱۷	۰/۲۴۱	حفظ و تداوم فرهنگ و هویت X_4
۰/۰۰۰	۳/۱۵۱	-۰/۱۰۱	-۰/۱۱۳	هزینه بر بودن تولید X_5
۰/۰۰۰	۱/۹۷۷	۰/۱۲۱	۰/۱۱۹	وجود بازارهای محلی X_6
۰/۰۰۰	۱/۴۷۵	۰/۱۲۵	۰/۱۹۹	سادگی تکنولوژی تولید X_7
$R^2 = ۰/۴۹$		$F = ۴۷/۹۸$		$sig = ۰/۰۰۰$

همچنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که ضریب تعیین مدل (R^2) برابر با ۰/۴۹ بوده که بیان می‌کند ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل مدل تعیین می‌شود. براساس ضریب تعیین مدل به دست آمده در این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که عوامل زیادی بر اشتغال زنان منطقه مورد مطالعه در زری‌بافی تأثیرگذارند که عوامل مورد استفاده در این تحقیق ۴۹ درصد آنها را توانسته بررسی نماید. با توجه به ضریب تعیین مدل بیشترین تأثیر بر زری‌بافی دهستان حومه شهرستان میناب، درآمدزایی داشته است و هزینه بر بودن تولید تأثیری بر زری‌بافی دهستان نداشته است.

نتیجه‌گیری

زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی هم به عنوان هدف توسعه هستند و هم می‌توانند به عنوان عامل پیش برد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش ایفا کنند. در این میان جایگاه زنان روستایی به دلیل موقعیتشان دارای اهمیت مضاعف است. نتایج این پژوهش بدینصورت می‌باشد:

با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر، سن اکثریت (۴۰/۸ درصد) زنان شاغل در زری‌بافی در طبقه ۲۰-۳۰ سال قرار داشت و این حکایت از گرایش زنان جوان به اشتغال در صنایع دستی از نوع زری‌بافی را دارد. علاوه بر آن، با توجه به اینکه تولید محصولات مربوط به زری‌بافی نیاز به دقت بسیار زیادی دارد، زنان مسن اغلب، به دلیل ضعف بینایی و کمی حوصله کمتر گرایش به اشتغال در آن دارند. اما زنان جوان به دلیل داشتن انرژی بیشتر و همچنین به دلیل نوپذیر بودن، می‌توانند با استفاده از خلاقیت خویش به تولید طرح‌های جدیدتر که مطابق با سلیقه امروز باشد پردازند. همچنین نتایج نشان داد که ۶۴/۲ درصد زنان شاغل در زری‌بافی متاهل هستند. با توجه به اینکه زنان متاهل نسبت به زنان مجرد، بدلیل داشتن تعهدات و مسئولیت‌های مختلف فرصت کمتری برای اشتغال در بیرون از خانه را دارند، اما با توجه به بروز مشکلات متعدد در اقتصاد روستایی و خانوارهای آنان و سنگین شدن بار تکفل، زنان روستایی متاهل را مجبور به قرار گرفتن در فضاهای شغلی (تولید محصولات صنعتی) جهت کمک

اقتصادی به سرپرست خانواده نموده است. ۴/۴۶ درصد از زنان مورد مطالعه هدف خود را از اشتغال به زری بافی، درآمدزایی عنوان کردند. نیاز اقتصادی و کسب درآمد برای رفع آن، به عنوان مهمترین عاملی است که زنان روستایی منطقه مورد مطالعه را وادار به اشتغال در صنایع دستی نموده است. اکثریت زنان روستایی این منطقه، هدف از اشتغال خود در صنایع دستی زری بافی را کسب درآمد معرفی کرده‌اند که به عنوان اصلی‌ترین عامل حفظ و تداوم حیات آنهاست. صنایع دستی دارای یک‌سری ویژگی‌های خاص می‌باشد که می‌توان یکی از مهمترین ویژگی آن را اشتغال‌زایی معرفی نمود. با توجه به این مطلب، نتایج نشان داد که ۵/۶۶ درصد زنان مورد مطالعه در دهستان حومه تاثیر زری بافی را بر اشتغال خود، در حد بسیار بالا تعریف کرده‌اند و معتقدند که این نوع صنایع دستی زمینه لازم برای ایجاد اشتغال برای زنان این منطقه را می‌تواند فراهم نماید. آنچه که بر اساس نتایج قابل مشاهده است این است که سطح رضایت‌مندی ۳۱/۵۵ درصد آنها در حد متوسط بوده است. این حالت نشان‌دهنده آن است که به دلایل مختلف از جمله مشکلات متعددی که در مسیر تولید تا فروش محصولات تولیدی وجود دارد، اشتغال در این نوع صنایع نتوانسته رضایت بالایی در آنها بوجود آورد. زنان روستایی شاغل در زری بافی مهمترین مشکلات خود را با توجه به میزان ضریب تغییرات گرانی و هزینه بالای مواد اولیه (۲۹۴/۰)، عدم حمایت مسئولین (۳۳۶/۰) و عدم تشکیل کلاس‌های آموزشی (۳۴۰/۰) در نظر گرفته‌اند. با توجه به اینکه t مربوط به تاثیر مشکلات بافندگان مثبت است، می‌توان فهمید که میانگین مشکلات بافندگان در منطقه مورد مطالعه بالاتر از نمره ملاک است. با توجه به اینکه هدف اکثریت زنان روستایی شاغل در صنایع دستی از نوع زری بافی درآمدزایی است، و عدم رسیدن به این هدف زمینه لازم را برای مشکلات بسیار حاد در جامعه روستایی فراهم می‌نماید. می‌توان مشکلات گفته شده را به عنوان سدی برای رسیدن به این هدف مهم دانست. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش مذکور، مهمترین مشکلات دسترسی زنان به اعتبارات برای شروع و تداوم اشتغال در زری بافی، نبود ضامن معتبر با ضریب تغییرات (۲۳۶/۰)،

کمبود اعتبارات تعریف شده برای زنان (۰/۳۳۴) و عدم بازپرداخت وام (۰/۴۲۳) می-باشد. نتایج همبستگی بین ویژگی‌های مرتبط با صنایع دستی و اشتغال زنان روستایی شهرستان مورد نظر نشان داد که بجز شاخص هزینه‌بر بودن تولید محصولات زری‌بافی که دارای رابطه منفی و معنیدار است، سایر شاخص‌ها، همگی دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با اشتغال زنان دهستان حومه هستند. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نیز نشان می-دهد که با توجه به مقادیر Beta بدست آمده می‌توان گفت که ویژگی‌های درآمدزایی صنایع دستی با مقدار $Beta=0/196$ ، ویژگی کمک به اقتصاد خانواده (۰/۱۶۵) و ویژگی کمک به استقلال اقتصادی زنان (۰/۱۴۱) بیشترین تاثیر را بر اشتغال زنان در زری‌بافی در دهستان حومه دارد. زنان منطقه مورد پژوهش، برای بهبود هر چند اندک در شرایط اقتصادی خانوار خود و گاهاً برای کسب استقلال اقتصادی با اشتغال در زری‌بافی به تولید درآمد می‌پردازند. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های پیشین خود در این است که پژوهش‌های پیشین به بررسی کلی اشتغال زنان روستایی پرداخته ولی این پژوهش به تاثیر صنایع دستی بر اشتغال زنان روستایی پرداخته و بیشترین تاثیر را مربوط به درآمد زایی دانسته است.

منابع

۱. آگهی، حسین؛ میرک زاده، علی اصغر و تقی بیگی، معصومه، (۱۳۹۱)، اولویت بندی عوامل موثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی، فصلنامه پژوهشی زن و جامعه، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۸۱-۲۰۲.
۲. افراخته، حسن و سرایی، سودابه، (۱۳۹۲)، جایگاه زنان در برنامه توسعه چهارم و پنجم جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات اجتماعی، روانشناسی زنان، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۱۳۵-۱۵۸.
۳. افراخته، حسن، اسکندری‌ثانی، محمد و اسمعیل‌نژاد، مرتضی، (۱۳۸۸). نقش قالی‌بافی در توسعه روستایی: مطالعه‌ی موردی کارگاه قالی‌بافی دهستان بالاولایت کاشمر. روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۱-۲۸.

۴. امانیان بیدختی، پروانه و صادقی نیا، سارا، (۱۳۹۴)، نقش تعاونی های روستایی در میزان درآمدزایی و افزایش سرمایه گذار در حوزه صنایع دستی، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره ۳، پیاپی ۱۱، صص ۱۰۱-۱۱۳.
۵. امینی، ا. میرمظفر، و احمدی شاپور آبادی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان بر خوار و میمه و فلاورجان و اثرات آن بر میزان خوداتکایی اقتصادی آن‌ها، مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، سال ۵، شماره ۱.
۶. برقی، حمید؛ قنبری، یوسف و سعیدی، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی عملکرد شوراهای اسلامی روستا و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی مطالعه موردی دهستان حسین آباد شهرستان نجف آباد، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۴، صص ۱۱۹-۱۳۸.
۷. پاپ زن، عبدالحمید؛ خالدی، خوشقدم و سلیمانی، عادل، (۱۳۹۰)، ارزشیابی آموزش های فنی حرفه ای زنان روستایی در زمینه ی صنایع دستی، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال ۲، شماره ۳، صص ۲۱-۳۷.
۸. پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۵)، عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۴، شماره ۵۳، صص ۱۵۳-۱۷۶.
۹. پور طاهری، مهدی؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و رهبری، مهناز، (۱۳۹۲)، تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی کشت پسته در توسعه روستایی شهرستان دامغان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، پیاپی ۵، صص ۶۹-۸۶.
۱۰. ترکمانی، جواد، و میرزایی، جواد، (۱۳۷۸)، تحلیل اقتصادی عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت های تولیدی همراه با دستمزد، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳ (۳ و ۴)، صص ۸۱-۹۷.
۱۱. جمشیدی، فاطمه، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان روستایی در استان ایلام: مورد شهرستان شیروان و چرداول، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.
۱۲. جمشیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، زنان و توسعه روستایی، ماهنامه جهاد، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، صص ۶۰-۶۳.
۱۳. دادورخانی، فیروز، (۱۳۸۵)، توسعه روستایی و چالش های اشتغال زنان، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۵، صص ۱۷۱-۱۸۸.

۱۴. رستمی، مصطفی. (۱۳۸۳)، بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه شاخص: شهرستان ساری)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۴۰-۶۵.
۱۵. رئیسی، رقیه؛ نجفی، بهالدینی و باقری، پیمان، (۱۳۹۲)، بررسی تشریحی عضویت زنان در شرکت های تعاونی روستایی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده اعضا براساس مدل لاجیت، مجله مطالعات اجتماعی، روانشناسی زنان، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۶۴.
۱۶. سواری، مسلم؛ مخلص آبادی فراهانی، مرتضی و میرکراده، علی اصغر، (۱۳۹۲)، راهکارهای توسعه کارآفرینی در تعاونی های صنایع دستی استان کردستان، مجله تعاون و کشاورزی، سال ۲، شماره ۸، صص ۱۲۵-۱۴۸.
۱۷. شریفی، زینب، ایروانی، هوشنگ و دانشور عامری، ژیلا، (۱۹۴)، تحلیل عوامل پیش برنده و بازدارنده توسعه اشتغال زنان روستایی شهرستان نجف آباد، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال ۶، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
۱۸. صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه، (۱۳۹۴)، فراتحلیل چهار دهه پژوهش در موضوع اشتغال زنان، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۲، صص ۲۴۳-۲۵۶.
۱۹. علی محمدی، نرگس، (۱۳۸۶)، جایگاه فعالیت های اقتصادی زنان روستایی در اقتصاد روستا و راهکارهای توسعه آن (مطالعه موردی منطقه برآن، شهرستان اصفهان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان.
۲۰. فرج زاده، مهشید، (۱۳۸۹). نقش صنایع دستی در توانمندسازی زنان، مجله شادکامی و موفقیت، شماره ۷۶، صص ۵۴-۶۸.
۲۱. مرادی، محمود و مطیعی لنگرودی، سیدحسن، (۱۳۸۴). جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند. پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۱۳۷-۱۴۹.
۲۲. موسوی، مینا و صدیقی، حسن، (۱۳۹۳)، تعیین سطح توسعه یافتگی کشاورزی استان های کشور، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۴، صص ۵۵-۷۱.
۲۳. میرزایی، مهرانوش و شهیدی، کاوه، (۱۳۸۶)، بررسی عوامل موثر بر حضور زنان روستایی در فعالیت های آموزشی و ترویجی کشاورزی (مطالعه موردی شهرستانهای بافت و زرند استان کرمان)، توسعه و بهره‌وری، سال دوم، شماره ۳ و ۴، صص ۲-۱۱.

۲۴. نوری، سیده‌هدایت الله؛ جمینی؛ داود و جمشیدی، علی رضا، (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی شاخص های عمده اشتغال زنان در کشور، مجله مطالعات اجتماعی، روانشناسی زنان، سال ۱۱، شماره ۱۳، صص ۸۱-۱۰۲.
۲۵. وفایی، اعظم و ترکارانی، مجتبی، (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر نوع و میزان فعالیت زنان روستایی بر سطح حقوق اقتصادی - اجتماعی آنها، مجله مطالعات اجتماعی، روانشناسی زنان، سال ۱۲، شماره ۴، صص ۱۱۹-۱۴۸.
۲۶. ویسی، هادی و. بادسار، محمد، (۱۳۸۴)، بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان روستایی در فعالیت‌های روستایی: مطالعه موردی استان کردستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال هشتم، شماره ۴، صص ۱۹-۴۲.
۲۷. یاقوتی، سپیده و روزبهانی، رویا، (۱۳۹۴)، جایگاه صنایع دستی در توسعه اقتصادی و مبادلات فرهنگی با تاکید بر صنعت گردشگری، فصلنامه علمی، آموزشی و پرورشی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۵۳-۵۸.

28. Çelik, Mucahit, and Tatar, Mehmet (2011). Employment-unemployment Issues and Solution Suggestions Adiyaman Example, Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, Vol. 3, No. 2, pp. 1211- 1226.
29. Fliescher and Applebam (1992) "Spatial Differences In the Labour Participation Of Married Women: The Case Of Isroeb's Peripheral Areasin", Rurd Studies, Vol. 8, No.
30. ILo, (2001), Generating Opportunities For Young People: The ILOs Decent Work Agenda. ILO in Focus Program Skills Knowledge And Employability. Geneva: ILO Employment Sectir.
31. 137-166. (Persian). Latifi, S., Saadi, H. & Shabanali Fami, H. (2013). Factor analysis of rural women carpet weaver's problem. Journal of Woman and Society, 4(1), 29-52. (Persian).
32. Yaghoubi Farani, A., Vahdat Moaddab, H., & Latifi, S. (2014). Identifying inhibitions of rural women's trend to home businesses (Case Study: Sardrod district, Razan county). Women in Development & Politics, 11(4), 559-574. (Persian).



Abstract

This study aims at investigating the employment problems and barriers facing the women in rural industries. The method of research is descriptive and the design is library -based. The data were collected by a questionnaire designed by the researcher and validated by a vast group of specialists and professors. The sample is women aging above 12. The reliability of the questionnaire was tested through Cronbach`s alpha that was 80.6 and the statistical analysis of data was done by spss software. The findings show that the costs of producing brocades does not have any effect on women`s employment in rural areas. The findings also show that generating revenue, improving financial status and helping economic independence nature of handicrafts have the most impact on women`s employment in selected area.

Key words: women, handicraft, brocading, rural employment, rural districts of Hormozgan province